

نخواستگی کوتاهی می‌کرد، نه، ولی حق دیگران را هم ضایع نمی‌کرد. اگر یک خوبی از کسی می‌دید، آن را یادآوری می‌کرد. در ضمن به آن چیزی که اعتقاد داشت، آن را با دلیل و منطق مطرح می‌کرد.

◀ درباره آثار علمی ایشان در حوزه تقرب و همگرایی مذاهب اسلامی بگویید.

از زمانی که تقرب شروع شد، ایشان اولین دبیرکل تقرب بودند. البته از ابتدا هم دبیرکل نبودند و تا مدت زیادی رئیس شورای عالی بودند. بعداً هم که از نظر جسمی کمی ضعیف‌تر شدند و سنشان بالا رفته بود، در شورای عالی عضو بودند، ولی به جاهای زیادی سفر و سخنرانی کردند و با علما در مورد تقرب صحبت کردند، مقاله نوشتند و مقالات زیادی از ایشان در این زمینه وجود دارد. شاید روزی برسد که برای کنفرانس آماده و پخش شوند. ایشان از نظر علمی انسان کاملی بود، چه در تقرب و چه در تمام مسائل فقهی و حدیثی.

◀ درباره اهتمام ایشان برای شناخت احادیث، بخصوص احادیث اهل سنت بیشتر توضیح دهید.

ایشان کتاب‌های اهل سنت را مطالعه می‌کرد و همان‌طور که برای هر کتابی جایگاهی در نظر می‌گیریم، ایشان هم آن جایگاه‌ها را می‌دانست. مثلاً می‌دانست بخاری و مسلم چه جایگاهی بین اهل سنت دارد. در رشته احادیث هم استاد کامل بود، بالاخره ایشان استاد دانشگاه بود و چندین سال مستمر در مقطع دکتری تدریس و رساله‌ها را راهنمایی و داوری می‌کرد.

◀ ایشان نزد اهل سنت چه جایگاه علمی‌ای دارد؟

اهل سنت ایشان را آدم منصفی می‌دانستند؛ یعنی نه شیعه‌ای سنی و نه سنی از شیعه توقع بیجایی داشته باشد. ما از ایشان انصاف می‌خواستیم و ایشان آن را همیشه رعایت می‌کرد، ولی من این را تأکید می‌کنم که در مذهب خودش اصلاً کوتاهی نمی‌کرد، هیچ مدهنتی نمی‌کرد، آن را درست توضیح می‌داد، هیچ تعلل و کوتاهی در آن زمینه از او دیده نمی‌شد، ولی حق مذاهب دیگر را هم به رسمیت می‌شناخت که اصل وحدت هم همین است؛ یعنی احترام یکدیگر را داشته باشیم و از اعتقادات و تفکرات یکدیگر آگاهی داشته باشیم تا به وحدت برسیم. ایشان در این زمینه‌ها استاد بود. همه چیز را خوب درک می‌کرد و برای هر چیز به آن اندازه که باید، ارزش قائل بود.

◀ نقش آیت‌الله بروجردی در شکل‌گیری آرای قرآنی، حدیثی و تقریبی آیت‌الله واعظ‌زاده چه بود؟ پاسخ این سؤال را باید کسانی بدهند که در مصاحبت ایشان بودند؛ ولی ایشان یکبار صحبت‌هایی از آیت‌الله بروجردی نقل کردند که من خودم تعجب کردم. اگرچه شنیده بودم دارالتقرب مصدر واقع با اشاره ایشان و نیز با حمایت‌های مالی و مشورت ایشان برپا شده بود، ولی از جزئیات بعضی مسائل خبر نداشتم.

آیت‌الله واعظ‌زاده یک روز از آیت‌الله بروجردی نقل کرد که ایشان می‌گفتند مسأله خلافت را مطرح نکنید، چون نباید گذشته را برجسته کرد. حالا هر چه بوده، ما نمی‌توانیم زمان را به عقب برگردانیم و این هم همان چیزی است که ایشان پیگیری می‌کرد. ایشان نمی‌خواست به مسأله‌

بازگردد که فعلاً برای امت اسلامی ثمره‌ای ندارد و باعث کدورت مسلمانان از یکدیگر می‌شود. ایشان معتقد بود این مسائل را می‌توان در جمع‌های علمی کوچک و کلاس درس طرح کرد، ولی در جمع عمومی یا در کتاب‌ها و مقالات پرداختن به این نوع مسائل سودی برای هیچ مذهبی ندارد. از اینجا معلوم می‌شود علامه واعظ‌زاده، فرهنگ و علم تقرب را از آیت‌الله بروجردی وام گرفته بود.

◀ چند وقت پیش عکسی از تأسیس دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی دیدم که شما در کنار آیت‌الله واعظ‌زاده ایستاده بودید و گویای این بود که از ابتدای تأسیس این دانشگاه حضور داشتید. از دوران همکاریتان با ایشان بگویید.

من با ایشان به کشورهای اروپایی می‌رفتم و فکر کنم با ایشان به ترکیه هم رفتم. من کشورهای زیادی را با ایشان همسفر بودم و در حج هم در بعثه یکی، دو بار آنجا جلساتی داشتیم، من و ایشان از سخنران‌ها بودیم. خدمتشان زیاد بود. البته من نمی‌توانم «مؤسس دانشگاه مذاهب اسلامی» را به ایشان خطاب کنم، چون مؤسس اصلی مقام معظم رهبری هستند و مجمع جهانی تقرب را ایشان تشکیل دادند. البته اولین دبیرکلی که آقا انتخاب کردند، آیت‌الله واعظ‌زاده بود و او را برای این کار مناسب دیدند. ایشان با وجود اینکه سنش بالا بود، ولی در این مدت خیلی زحمت کشید. حتی این اواخر که دیگر تقریباً خانه‌نشین شده بود، ما را به خانه خودش در مشهد دعوت می‌کرد. ما شورای عالی را در خانه ایشان برگزار می‌کردیم. ایشان حتی شام و ناهارمان را هم تقبل می‌کرد و تا جایی که امکان داشت برای پیگیری کارها با همان سن و سالش مسافرت می‌رفت و با علمای جهان اسلام ارتباط داشت.

◀ اندیشه وحدت نزد آیت‌الله واعظ‌زاده چطور مصداق پیدا می‌کرد؟

ایشان انصافاً دنبال وحدت به معنای واقعی بود، یعنی وحدتی که طرف مقابل هم بپذیرد. ممکن است شما هم از وحدت بگویید اما طرف دیگر این وحدت را به این شکل قبول نمی‌کند. ایشان وحدت را به گونه‌ای مطرح می‌کرد که مسلمانان دیگر هم آن را قبول داشتند و معتقد بودند این وحدت عملی است. بعضی از چیزها عملی نیست، فقط آرزو است. ما می‌خواهیم این‌طور بشود که نمی‌شود. اولین چیزی که در مسأله وحدت مهم است، اطلاعات است. من فکر می‌کنم اگر کسی در این زمینه علمش بیشتر باشد، مسأله وحدت را بهتر می‌تواند دنبال کرده و آن را بهتر قابل پذیرش کند و طوری با دیگران صحبت کند که ذهنشان این وحدت را بپذیرد. اگر وارد مسائل جزئی شویم، ممکن است از هم دورتر شویم، ولی اگر منافع کلی اسلام را در نظر بگیریم و به عملکرد بزرگانمان در گذشته توجه کنیم، اینکه آنها چطور عمل کرده‌اند، مثلاً شیعه توجه داشته باشد که ائمه چگونه عمل کردند، بخصوص حضرت علی (ع) در آن شرایط شخصاً چگونه عمل کرد یا اهل سنت دقت کنند که مثلاً خلفا چگونه عمل کردند، آنها چگونه وحدت را حفظ کردند، بهتر می‌توانیم به اصل وحدت برسیم. در عین حال احتمال دارد در بعضی مسائل هم اختلاف وجود داشته باشد، ولی عملکردشان وحدت‌محور خواهد بود. ما باید اطلاعات بیشتری داشته باشیم، همان‌طور که آیت‌الله واعظ‌زاده اطلاعات کافی و وافی داشت. در واقع عملکرد ایشان در جهتی بود که مورد پسند طرف مقابل هم قرار می‌گرفت.

اهل سنت ایشان را آدم منصفی می‌دانستند؛ یعنی نه شیعه‌ای سنی و نه سنی از شیعه توقع بیجایی داشته باشد. ما از ایشان انصاف می‌خواستیم و ایشان آن را همیشه رعایت می‌کرد، ولی من این را تأکید می‌کنم که در مذهب خودش اصلاً کوتاهی نمی‌کرد، هیچ مدهنتی نمی‌کرد، آن را درست توضیح می‌داد، هیچ تعلل و کوتاهی در آن زمینه از او دیده نمی‌شد، ولی حق مذاهب دیگر را هم به رسمیت می‌شناخت که اصل وحدت هم همین است

یادنامه‌ای برای
گرامیداشت مقام علمی
استاد آیت‌الله
محمد واعظ‌زاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۱۱